شهرآرا
۳شنبه
۲۴ مرداد ۱۴۰۲
۲۸ محرم ۱۴۴۵
شماره ۴۰۱۲
SHAHRARANEWS.IR

یک پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان:

برای تبلیغ کتاب هم نباید کودکان را استثمار کرد



یک پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان با تأکید بر وظیفه فرهنگی ناشران، نویسندگان، مترجمان، کتاب‌فروشان و صفحه‌های فروش کتاب گفت: این گروه‌ها باید به مسئله کار کودک توجه بیشتری کنند و این درست نیست که برای تبلیغ کالایی مانند کتاب، بیش از حد کودکان را تحت استثمار قرار دهند.

محمدمهدی سیدناصری در گفت‌وگو با ایرنا ضمن اعلام اینکه استفاده ناشران از کودکان در صنعت تبلیغ مشاهده شده است، ادامه داد: برخی از اعضای گروه‌های فرهنگی مانند ناشران و نویسندگان و افرادی که در بحث فرهنگی پیش‌ران هستند چرا باید زمینه‌ساز این مسئله باشند؟ ناشران برای معرفی و رونمایی و تبلیغ کتاب و هم‌اندیشی‌ها و دورهمی کتاب‌های کودک و نوجوان از کودک استفاده می‌کنند. اما چرا نویسندگان کودک از کودکان استفاده می‌کنند تا در فضای مجازی مخاطب بگیرند؟

او درباره اقدامات برخی از ناشران توضیح داد: مشکل اینجاست که ناشران و نویسندگان و مترجمان، سواد حقوقی در حوزه فضای مجازی ندارند. در کشورهای پیشرفته کارشناس کودک و روان‌شناس این کار را انجام می‌دهد، در آنجا کودک کنار بزرگ‌سال می‌نشیند و بزرگ‌سال تبلیغ می‌کند، اما در ایران کودک را بَزَک و از حالت کودکی خارج می‌کنند. این کار موجب می‌شود که کودک فکر کند کافی نیست و برای خوب بودن به بَزَک نیاز دارد. به گفته سیدناصری، باید سواد حقوقی ناشران و نویسندگان و مترجمان بالا رود. مشکل اینجاست که بسیاری فکر می‌کنند به این دلیل که کودک تبلیغ کتاب برای کودک را انجام می‌دهد اشکالی در بهره‌برداری از او وجود ندارد. این در حالی است که در این روند، حقوق کودک نقض می‌شود.

معرفی برگزیدگان جایزه کتاب سال غزل



چهارمین دوره جایزه کتاب سال غزل، با اعلام برگزیدگان و انتشار بیانیه دبیر جشنواره به کار خود پایان داد. به گزارش ایبنا، بر پایه متن بیانیه یادشده، برگزیده این دوره کتاب سال «بهنام مؤمنی لندان» با مجموعه شعر «مرثیه‌ای برای مرگ در تبعید» است. همچنین از میان نامزدهای نهایی بخش ویژه (شاعرانی که تا به حال مجموعه غزل منتشر نکرده‌اند، اما مجموعه شعر چاپ نشده‌شان را برای داوری در بخش ویژه به دبیرخانه جایزه ارسال کرده‌اند) «فاطمه سلیمانی» و «فرزانه شفیعی» به طور مشترک برگزیده شدند.

۴هزار سال نوشتن مشق شب!



لوحی گلی نشان می‌دهد مشق نوشتن کودکان در ایران از حدود چهارهزار سال پیش رایج بوده است. نمونه‌ای از این لوح در موزه «کودکی ایران» به نمایش گذاشته شده است. به گزارش ایسنا، «ایرانک» یا «کودکی ایران» که فعلا در طبقه همکف ساختمان آرشیو اسناد ملی و در سالن گنجینه اسناد ملی مستأجر است، کودکی در ایران را از دوران باستان تا معاصر به نمایش گذاشته است. آن هم با راویانی خوش‌نوا که قصه‌های اساطیری از «درخت آسوریک» تا داستان‌های عامیانه همچون «خروس زری پیرهن پری» را بلندخوانی می‌کنند که می‌تواند برای کودک دوساله تا بزرگ‌سال ۹۹ساله گیرا باشد.

زین قند پارسی
علیرضا حیدری|مدرس و ویراستار
ناویراسته ✗
به نظر می‌رسد هرگونه ماجراجویی در منطقه هزینه‌های غیرقابل‌پیش‌بینی در دست آمریکا و حامیان غربی رژیم صهیونیستی خواهد گذاشت.
ویراسته ✓
به نظر می‌رسد هرگونه ماجراجویی در منطقه هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای در دست آمریکا و حامیان غربی رژیم صهیونیستی بگذارد.
نکته
به کار بردن قابل و غیرقابل در متن‌هایی مانند متن ناویراسته بالا گرته‌برداری از «able» است که امکان و شایستگی را می‌رساند. این ترکیب غلط نیست؛ اما در متون معتبر فارسی به کار نرفته است و بهتر است بنا بر معیار ساده‌نویسی، از کاربست آن کم کنیم.
#زین_قند_پارسی

یادداشت

ذکر مصیبت در روزگار گوناگونی شعر

نگاهی به شعر عاشورایی در عصر قاجار



علیرضا حیدری
روزنامه‌نگار و مدرس ویراستاری

در دوره دوم شعر عاشورایی، یعنی از ظهور صفویه تا انقلاب اسلامی، باید به عصر قاجار هم نگاهی جدی داشته باشیم. برای اینکه از اهمیت عزاداری و اشعار عاشورایی در این دوره بدانیم، کافی است بدانیم که ناصرالدین شاه قاجار هم اشعاری در رثای امام حسین(ع) دارد که از آن جمله است:

روز عاشورا در آن میدان عشق/ کرد رو را جانب سلطان عشق/ بارالها این سرم، این پیکرم/ این علمدار رشید، این اکبرم [...]

حتی برخی از پژوهشگران معتقدند شعر و نوحه معروف «بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا/ بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا / تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده/ تا بگیرم در بغل قبر شهید سر جدا» سروده این شاه قاجار است. فتحعلی شاه، دیگر شاه قاجار هم شعری دارد با این مطلع: «محرم آمد و آغاز ماه ماتم شد / مهی که بارور از وی نهال هر غم شد»

اگر از شعر عاشورایی تا صفویه هم بگذریم، پیش از قاجار، شعر عاشورایی کارنامه‌ای بیش از دو قرن دارد و این موضوع تأثیر زیادی بر شعر این عصر گذاشت؛ نشانه روشن آن ترکیب‌بندهایی است که به پیروی از ترکیب‌بند محتشم سروده شد. علاوه بر ترکیب‌بند و قصیده، قالب‌های دیگر هم در این عرصه پدید آمد.

در کنار این قالب‌های شعری، «نوحه» نیز در همین دوره پا می‌گیرد و بیشترین شاعران عاشورایی در این دوره حضور دارند؛ مانند یغمای جندقی که «نوحه‌های عاشورایی او، مشحون از فنون و صنایع مختلف است و آفرینش‌های ادبی متعددی در تصویرهای شعری‌اش دیده می‌شود؛ جالب‌تر آنکه وی با هوشمندی بسیار، این تصاویر شاعرانه را با تکلف بیان نکرده و این نوع شعر را برای مخاطب عام نیز قابل فهم کرده است.» («بررسی ساختار و بلاغت نوحه‌های یغما جندقی (۱۱۹۶-۱۲۷۶ق)»، منصوره رضایی و مجتبی دماوندی، فصلنامه علمی شیعه شناسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، آبان ۱۳۹۴، صفحه ۱۱۹-۱۳۵).

در این دوره با شاعرانی روبه‌روییم که برخی نگاهی عارفانه به ماجرای کربلا دارند مانند عمان سامانی در «گنجینه الاسرار» (که پیش‌تر درباره او نوشتم) و نیر تبریزی در «آتشکده» و صفی علیشاه در «زبده‌الاسرار». همچنین شعر داستانی و روایت‌گرانه هم رواج یافت و برخی شاعران، وقایع عاشورا و حوادث پس از آن را به قالب شعر درآوردند. فدایی مازندرانی (۱۲۰۰-۱۲۸۲ هجری قمری)، ماجرای شب عاشورا و توبه حُر را به شعر درآورده است، چنان‌که نیر تبریزی (۱۲۴۷-۱۳۱۲ هجری قمری)، اشعاری با عناوین «شب یازدهم» و «وصف علی‌اکبر» و «وصف حر» و «وصف عبّاس» دارد که به شیوه روایی و داستانی بازگوشده‌اند. البتّه در اشعار این دوره نیز رثا و ذکر مصائب، موضوع غالب است. (دانشنامه امام حسین(ع)، ج ۱۰، ص ۱۸۶-۲۰۱).

برخی دوران طلایی اشعار عاشورایی را دوره قاجار می‌دانند. فراوانی شاعران عاشوراپرداز چون ملّا احمد نراقی، فتحعلی‌شاه قاجار، وصال شیرازی، یغمای جندقی، صباحی بیدگلی و تنوع اشعار عاشورایی در دوره قاجار، از دلایل این نگاه است (بررسی عاشورا سروده‌های دوره صفویّه و قاجاریّه، الناز صمدزاده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد).

نکته‌ای که نباید از آن غافل ماند این است که به‌رغم افزونی شاعران و اشعار و وجه عرفانی و کمابیش سیاسی اجتماعی (مانند دوره مشروطه و شاعرانی مثل نسیم شمال و محمدتقی بهار که از مضامین آیینی و عاشورایی استفاده نمادین می‌کنند و عاشورا را نماد بیداری می‌دانند)، در عصر قاجار شاهد گسترش مسائل خرافی در شعر عاشورایی هستیم. این مسائل از دوره صفوی آغاز شد؛ اما در این دوره با رویکردی تقریبا عوامانه جدی‌تر شد و افسانه‌هایی به ماجرای عاشورا اضافه شد مانند عروسی حضرت قاسم.

جشن امضای کتاب تازه نسیم مرعشی در مشهد برگزار شد

روی دورِ ناداستان



مریم محبی

گزارش

«ما در احاطه خبرهای کشتن‌ایم: تصادف، شکار، قتل [...]. این احاطه نمی‌گذارد درست نگاه کنیم. ما از لابه‌لای این کشتن‌ها می‌گذریم، بدون اینکه فرصتی کافی برای تعمق در آن‌ها داشته باشیم. کتاب تازه نسیم مرعشی تجربه‌ای است متفاوت از دو رمانش. درباره کشتن مجموعه هفت روایت مستند است که در تمام آن‌ها عمل بی‌جان کردن به عنوان موضوعی یکسان حضور دارد. نویسنده در طول سال‌ها و در سفرهایی به دور ایران شکل‌هایی متفاوت از کشتن را جست‌وجو کرده است. کشتن به عنوان امری روزمره یا جنایتی هولناک. کشتن برای لذت، برای زندگی، برای رهایی. این کتاب دعوتی است برای لحظه‌ای ایستادن و دوباره دیدن این مفهوم.»

آنچه در این مجال آمده، نوشته پشت جلد کتاب تازه نسیم مرعشی است. کتابی در قالب ناداستان و با عنوان «درباره کشتن» که جشن امضای آن، یکشنبه ۲۲ مرداد ساعت ۱۷ با حضور جمعی از علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی در شعبه دوم مجموعه نشر چشمه دل‌شدگان مشهد برگزار شد.

دهه ۹۰ دهه ناداستان بوده تا داستان و رمان

میلاد حسینی، نویسنده مشهدی، در آغاز این گردهمایی، به بخشی از فعالیت‌های ادبی نسیم مرعشی اشاره کرد: «اورارمان‌نویسی می‌شناسیم که رمان‌هایش خوب خوانده شده و این، اتفاق خوبی برای ادبیات ما به‌ویژه در دهه ۹۰ بود. «هرس» و «پاییز فصل آخر سال است»، نام دو رمان مشهور اوست که مخاطب گسترده‌ای برای خود دست‌وپا کرد.» او همچنین از اقبالی سخن گفت که خوانندگان به ژانر ناداستان دارند: «اگر بخواهیم وضعیت ادبیات را در دهه ۹۰ بررسی کنیم باید بگوییم که دهه ناداستان بوده تا داستان کوتاه و رمان. حتی مجلات زیادی هم با تمرکز روی همین قالب منتشر شده است.»

یک اثر جسورانه

نویسنده کتاب «شب شمس» در بخش دیگری از برنامه درباره کتاب اخیر مرعشی صحبت کرد: «درباره کشتن با کارهای قبلی او متفاوت است. جسارت خوبی را در کتاب شاهد هستیم. نویسنده‌های زیادی بوده‌اند که بعد از یک کار پرفروش در سایه آن مانده‌اند یا همان کار را تکرار کرده‌اند. درواقع به قدری تحت فشار بوده‌اند که راضی نشده‌اند کاری تازه و متفاوت عرضه کنند. زمانی که هرس منتشر شد همین بحث‌ها وجود داشت. مخاطبان غافلگیر شدند چون فضای کار به کلی با پاییز فصل آخر سال است متفاوت بود. هرچند امضای نویسنده همچنان دیده می‌شد، به صورت کلی متمایز بود. درباره کشتن کار قابل قبولی است، اثری با محوریت کشتن.»

جنگ نقطه ندارد

نسیم مرعشی در این نشست در معرض سؤال‌هایی قرار گرفت که بخشی از آن‌ها را میلاد حسینی و بخشی دیگر را مخاطبان مطرح کردند. یکی از بحث‌هایی که در این نشست مطرح شد؛ تفاوت فضای دو رمان پاییز فصل آخر سال است و هرس بود. او درباره این دو اثر گفت: «طرح هرس قبل از پرفروش شدن رمان اولم نوشته شده بود. می‌شنیدم که می‌گفتند مخاطب هرس را از تو نمی‌خواهد و آدم‌ها درباره جنگ نمی‌خوانند. اما من در لحظه چیزی برایم اولویت و ارزش دارد و کاری را که فکر می‌کنم درست است، انجام می‌دهم و امیدوارم مخاطب نیز همراه شود.» این نویسنده همچنین توضیح داد: «هرس بیشتر از اینکه رمانی درباره جنگ باشد، درباره دوران بعد از جنگ است. درباره دهه ۷۰ و درواقع ماجراهای این دهه برای یک آدم جنگ‌زده و یک سرزمین جنگ‌زده. این در حالی است که در بقیه کشور، دوباره زندگی آغاز شده بود. من متولد تهرانم اما تا پنج سالگی‌ام در اهواز بودیم. در خوزستان واقعا عزادار بودیم. عزادار زمین و نخل‌های سوخته و خرمشهر خرابی که هنوز هم درست نشده است. این دوگانگی واقعا آزاردهنده بود. شما نمی‌توانی بگویی جنگ، تمام، نقطه. جنگ ادامه دارد. نقطه ندارد. نسل اندر نسل جلو می‌آید.»

مرز باریک داستان و ناداستان

مرز بین داستان و ناداستان کجاست؟ نویسنده «درباره کشتن» در پاسخ به این سؤال گفت: «طبق تعریف، ناداستان متنی است که از همه عناصر داستان استفاده می‌کند منهای تخیل. یعنی شما نمی‌توانید وسط اورژانس بیمارستان امام، نخل بکارید چون وجود ندارد و مخاطب متوجه می‌شود! اما اگر شما یک روز در میان بروی آنجا و بعد بنویسی هر روز، ایرادی ندارد چون این امر واقعیتی را خدشه‌دار نمی‌کند. یا لااقل واقعیتی را که موضوع ناداستان، خدشه‌دار نمی‌کند. نظریه‌پردازهای آوانگاردتر همین مرز را هم دارند برمی‌دارند.» او درباره چگونه شکل گرفتن کتاب درباره کشتن اظهار کرد: «من شغلم نویسندگی است. چیزهای متفاوتی می‌نویسم. سخت است که بگویم فقط رمان می‌نویسم یا فقط ناداستان. در خواندن البته ناداستان همیشه برایم فرم جذاب‌تری است. این روزها ناداستان‌های خوب زیادی در بازار نشر وجود دارد. سال‌ها پیش داشتم رمانی می‌نوشتم که به یک وقفه خورد و پیش نمی‌رفت. [...] به این موضوع فکر می‌کردم که یک مجموعه از ناداستان‌هایی که نوشته‌ام منتشر کنم. در نهایت درباره کشتن شکل گرفت.»

ادبیات کودک واقع‌گرایانه

این نویسنده سابقه کار در حوزه کودک و نوجوان را نیز دارد؛ «درسا و ماجرای عجیب کلاس دوم» و «درسا و کلاس سوم پیتزایی» نام آثار او در این حوزه است که هر دو جزو یک داستان ادامه‌دار به شمار می‌آیند. مرعشی در این مراسم از این گفت که بسیار دوست دارد تا ادامه این داستان را نیز چاپ و منتشر کند. او گفت: «طرح درسا بعد از اتمام پاییز فصل آخر سال است و قبل از هرس شروع شد. خود من وقتی بچه بودم مخاطب چنین ادبیاتی بودم و دوست داشتم کتاب‌هایی بخوانم که واقع‌گرا هستند و سهم تخیل در آن کمتر باشد. علاوه بر این، نوشتن درسا برایم شادی و حال خوشی به همراه داشت. دوست داشتم در کتابخانه‌ام کتابی برای بچه‌ها باشد که کاراکتر آن دارد با من بزرگ می‌شود. قصد دارم ادامه‌اش را نیز بنویسم. وقتی درسا را می‌نویسم هم از نوشتنش خوش‌حالم هم از تصور مخاطب در هنگام خواندن.»

سه‌شنبه‌ها با کتاب

دقیق، فاخر، روان!

۶ نکته درباره «برگردانِ روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر»



احمد آقایی
فعال فرهنگی

برای معرفی و بررسی کتاب «برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر»، می‌توان از شش منظر به آن نگاه کرد:

۱ وفاداری کامل به جزئیات: شاهنامه، مشابه بسیاری از داستان‌ها و رمان‌های بزرگ تاریخ ادبیات جهان، سرشار است از جزئیات؛ جزئیاتی که همانند تزئینات و ریزه‌کاری‌های به‌کاررفته در یک ساختمان و بنای عظیم، هوش از سر مخاطب می‌رباید و ناخودآگاه، او را به تحسین طراح و مجری آن بنا و درباره متن‌های آگنده از جزئیات ریز و درشت، به تحسین نویسنده و خالق آن متن وامی‌دارد. خوشبختانه، اکثر قریب به اتفاق جزئیات مندرج در داستان‌های شاهنامه که اتفاقا کم هم نیستند، در برگردان روایت‌گونه آن به نثر آمده‌اند. به عنوان مثال، اینکه «تور» برای کشتن برادرش «ایرج»، از خنجری استفاده می‌کند که در کفش خود پنهان کرده است نیز از دید ریزنگر نویسنده پنهان نمانده است: «[تور] بی‌آنکه توجهی به زاری برادر و بی‌گناهی او کند خنجر از میان موزه بیرون کشید و سر او را از تن جدا ساخت (ص۳۶).»

۲ شرح دقیق روابط نَسَبی و سببی شخصیت‌ها: یکی از ویژگی‌های شگفت انگیز و جذاب داستان‌های شاهنامه، روابط خانوادگی فراوان و پیچیده میان انواع شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی آن است که حکیم ابوالقاسم فردوسی، به شکلی دقیق و موشکافانه و عاری از تناقض و ناسازگاری، به طراحی و اجرای آن‌ها پرداخته است. این ویژگی، در برگردان منثور شاهنامه نیز به‌دقت رعایت شده و حتی در بعضی موارد، با افزودن توضیحاتی کوتاه، روشن‌تر و واضح‌تر شده است. به عنوان مثال، در ص۵۶ می‌خوانیم: «نوذر در آن گیرودار، طوس و گُستهم «پسران خود» را فرا می‌خوانَد و...» ناگفته نماند، اعراب‌گذاری اسامی خاص (مانند قرار دادن ضمه روی حرف اول گُستهم) یاری‌رسان خواننده در تلفظ درست نام‌هاست.

۳ آهنگین نبودن متن: شاهنامه مثنوی بلندی است در وزن حماسی و فخیمِ «فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل» که بسیاری از مصراع‌ها و ابیات و بخش‌های آن، بدون اعمال تغییر چشمگیری در نحو جمله (یعنی جابه‌جا کردن محل فعل یا فاعل) قابل نقل در یک متن منثور است. به عنوان مثال، بیت ۲۸ نخستین داستان شاهنامه، یعنی «پادشاهی کیومرث»، این‌چنین است: «سخن چون به گوش سیامک رسید/ ز کردار بدخواه دیو پلید»، که بیتی است قابل نقل در متنی منثور، بدون نیاز به تغییر و بازنویسی. اما چنین به نظر می‌رسد که شادروان دکتر دبیرسیاقی، عامدانه تلاش کرده است تا جملات کتاب عاری از وزن آهنگین شاهنامه باشد و متن، هرچه بیشتر، به نثر نزدیک شود. به عنوان نمونه، به این جملات از داستان «گذشتن سیاوش بر آتش» توجه کنید: «سیاوش جامه سفید در بر کرد و بر اسبی سیاه نشست و پیش پدر آمد، پیاده شد و کرنش کرد، [کاووس] شاه از شرم بدو ننگریست (ص۹۷).»

۴ خودداری از استفاده مطلق از ابیات شاهنامه: نبود حتی یک بیت از شاهنامه در خلال روایت داستان‌های آن به نثر، که شاید بی‌ارتباط با نکته مندرج در بند پیشین نباشد، ویژگی منحصربه‌فرد این کتاب است. درواقع، خواننده حین خواندن داستان‌های پرکشش و جذاب شاهنامه به روایت دکتر دبیرسیاقی، با جریانی آرام و پیوسته از نثری استوار و سخته مواجه می‌شود که هیچ توقفگاه و دست‌اندازی ندارد، جز عناوین داستان‌ها در آغاز هر کدام از آن‌ها و نبود ابیات لابه‌لای متن، هرچند کار نویسنده را دشوارتر می‌سازد، به حرکت آهسته و پیوسته خواننده در مسیر متن کمک شایانی می‌کند.

۵ نقل حالات روحی فردوسی حین سرایش شاهنامه: ظاهرا حکیم توس، حین سرایش شاهنامه، هر از گاهی به سن و سال خود و همچنین، وضعیت معیشتی و روحی خود و خانواده‌اش اشاره می‌کند که خوشبختانه، این‌ها هم با رعایت کامل جزئیات در کتاب آمده‌اند. به عنوان مثال، فردوسی پیش از ورود به داستان «پادشاهی بهرام گور»، به روایت دکتر دبیرسیاقی، چنین می‌آورد: «ابری تیره برآمده است و برفی سنگین از آن می‌بارد و جهان غرقه در تاریکی است. آسمان چه در سر دارد و از من که نمک سود (گوشت پخته یا ماهی آلوده به نمک) و هیزم و جو در خانه ندارم و تا هنگام درودِن جو مدتی مانده است چه می‌خواهد؟ (ص۳۴۵)»؛ یا در میانه‌های داستان «پادشاهی خسروپرویز»، می‌خوانیم: «به شصت و پنج سالگی رسیده‌ام، [...] فرزند جوانِ من چون به سی و هفت سالگی رسید گیتی را به مراد خود ندید و از آن روگردان شد. پیوسته با من درشتی و عتاب داشت و از تنگی زندگی من آشفته‌خاطر بود. (ص۵۰۷)» که اشاره به وفات فرزندِ ۳۷ ساله حکیم توس و وضع و حال او حین حیات دارد.

۶ نثر درخشان دکتر دبیرسیاقی: بنا به قولی معروف و بسیار گفته و شنیده و خوانده‌شده، ادبیات یعنی «چگونه گفتن»، نه «چه گفتن». اینکه شخصیت‌های داستان‌های شاهنامه «چه» کرده‌اند و «چه» ماجراهایی را از سر گذرانده‌اند یک بحث است و از آن مهم‌تر، اینکه حکیم توس در هزار و اندی سال پیش، آن داستان‌ها و ماجراها را «چگونه» روایت کرده است، بحثی دیگر. اکنون که پس از حدود ۱۰ قرن، شاهنامه‌پژوه برجسته روزگار ما، شادروان دکتر دبیرسیاقی (که در سال ۱۳۳۵ شمسی و در ۳۷ سالگی، به تصحیح شاهنامه بر اساس نسخه کلکته پرداخته و در سال ۱۳۵۰ شمسی و در زمانه نبود اینترنت و موتورهای جست‌وجو، با تلاشی مثال‌زدنی، به تدوین کشف‌الابیات شاهنامه همت گماشته است) در سال ۱۳۸۰ شمسی و در اوج پختگی و پس از سال‌ها مؤانست با شاهنامه، تصمیم می‌گیرد که برگردان روایت‌گونه آن را به نثر ارائه کند، به شکلی هوشمندانه، از قلمی فاخر، دقیق، تندرست و در عین حال، روان بهره می‌جوید که انصافا حق «چگونه» روایت کردن داستان‌های شاهنامه به نثر را، علی الاطلاق، رعایت می‌کند. روحش شاد و آثارش ماندگار باد.



برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر
دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی
نشر قطره، ۱۴۰۲ (چاپ بیست و دوم)
۵۵۲ صفحه